

جغرافیای تاریخی بندر عقبه (أیله)

بهرام امانی چاکلی^۱

مریم جعفری سروجهانی^۲

چکیده

بندر عقبه، در جنوب غربی کشور اردن که تنها بندر این کشور و در کنار خلیج عقبه قرار دارد و در قدیم، بندر ایله نامیده می‌شد و از شهرها و بنادر باستانی فلسطین و گذرگاهی میان مصر و بلاد عرب و همچنین میان بنادر فنیقیه و جنوب جزیره العرب بود و همین طور از مراکز مهم تلاقی راه‌های تجاری عراق و مصر و شام و جزیره العرب در سده‌های اولیه اسلامی بود. این بندر محل عبور حجاج شام، مصر و مغرب به طرف جزیره العرب به شمار می‌آمد و برای وارد شدن به عربستان باید از این منطقه عبور می‌کردند. اهمیت این بندر نه تنها بدان علت که مرکز تجاری و محل تجمع حجاج مصر و شام در عصر اسلامی بوده است، اشارات قرآن در برخی آیات قرآن به ماجراهای مربوط به این شهر اهمیت آن را دو چندان کرده، هر چند لفظ ایله به طور صریح در قرآن نیامده است. آمدن لفظ ایله در احادیث و به تبع بازتاب آن در کتب مفسرین شیعه و سنی، اهمیت بررسی جغرافیای تاریخی این بندر را بیشتر کرده است. این پژوهش سعی دارد با استفاده از متون تاریخی و جغرافیای قرون اولیه

^۱. بهرام امانی چاکلی، استادیار دانشگاه زنجان، Amanichacoli@Yahoo.Com

^۲. مریم جعفری سروجهانی، دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن دانشگاه زنجان؛

Jafaerimaryam@Yahoo.Com

اسلامی موقعیت جغرافیای و رویدادهای تاریخی بندر ایله را از نظر مورخان و جغرافیدانان اسلامی بر پایه روش توصیفی-تحلیلی بررسی کند.

واژگان کلیدی: بندر عقبه، ایله، جغرافیای تاریخی، اردن.

مقدمه

ایله (به فتح همزه) از شهرهای مرزی و سرحد حجاز و شام محسوب می‌شده و از نظر صنعت و تجارت و دانش بر سایر شهرستان‌های مجاور خود تقدم داشته است. مدتی یهودی‌ها در آن‌جا سکونت داشته‌اند. ماجرای حرام بودن صید ماهی در روز شنبه از طرف پروردگار و حيله کردن صیادان و مسخ شدن ایشان به صورت میمون، چنان‌که سوره اعراف آمده است، مربوط به این شهر و سکنه آن بوده است. تاریخ شهر ایله به سال‌های بسیار دور باز می‌گردد، زیرا بر اساس حفاری‌هایی که باستان‌شناسان انجام داده‌اند آثاری از عصر حجر و عصر آهن در آن یافت شده است. برخی ایله را نام کهن عقبه شمرده‌اند؛ در منابع اسلامی این شهر و اطراف آن را ایله و ناحیه ایله خوانده و خلیج عقبه را هم خلیج ایله گفته‌اند و مسلمانان ایله را پس از فتح، عقبه خوانده‌اند. در عهد عتیق از این شهر به عنوان شهر اصلی سرزمین ادوم که به دست داوود و سلیمان نبی فتح شد، سخن رفته است. ایله از ۲۷۴ تا ۳۱ ق م در دست حاکمان یونانی مصر بود و کانون ارتباطی راههای تجاری نبطیان به شمار می‌رفت، پس از پایان حاکمیت نبطیان بر ایله در ۱۰۶ م، رومیان بر آنجا مستولی شدند، این شهر در طول قرن‌های نهم و دهم میلادی توانست از رشد بسیار خوبی برخوردار شود و

به عنوان یکی از شهرهای اصلی جهان اسلام معرفی شود. این پژوهش در پی آن است تا بازتاب ایله در کتب جغرافیای دوره اسلامی و همین طور رویدادهای مربوط به این منطقه که در منابع تاریخی آمده است، بازگو کند.

وجه تسمیه و موقعیت جغرافیای بندر عقبه کنونی (ایله قدیم)

عقبه نام بندری کوچک در انتهای خلیج عقبه در شمال دریای سرخ جایی که آغاز منطقه حجاز و آخرین نقطه شام است و در زمانهای گذشته آن را ایله می گفتند. بندر عقبه کنونی نزدیک یا در محل ایله قدیم به وجود آمده است. به اعتقاد صاحب نظران این کلمه ریشه عبری یا سریانی دارد و اصل آن -ایل- یکی از نامهای خداوند بوده است (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۱، ص ۴۰). واژه ایل در متن گیلگامیش نیز آمده و به نام خدای اکادیان، کنعانیان و عبریان است که علماء عرب بر این مورد توافق دارند (همان، ص ۴۰). کلمه ایله در کتاب تورات به شکل ایللیاله آمده است (قلقشندی، ۱۹۹۰، ج ۱۰، ص ۲۵۶). همین طور ایله به اسم ایله دختر مدین بن ابراهیم (ع) هم ذکر شده است (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۴۲). نام عقبه که از روزگار حاکمیت مملوکیان بر مصر و شام (۹۲۳-۶۴۸) بر این بندر اطلاق شده و در نوشته‌های پیش از این دوره، با عنوان ایله و عقبه ایلا به کار می رفته و کم کم مختصر شده و اسم عقبه غالب گشته است که در زبان عربی به معنی راه ناهموار در کوه است و جمع آن عقب، عقاب و عقبات می باشد (ابن منظور، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ص ۶۲۱). داستان اصحاب سبت که در قرآن در آیه ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف آمده ذکر شده است مربوط به این منطقه است.

طور سینا مذکور در قرآن، که اسم کوهی بوده، در نزدیک ایله قرار دارد. (یاقوت حموی، ۱۳۹۹، ج ۳، ۵۸).

جغرافیدانان دوره اسلامی به شهر ایله توجه کرده و مطالبی را ذکر کرده اند که هر کدام را به طور جداگانه بیان می‌کنیم؛ ابن خردادبه ضمن وصف راه مصر تا مکه، از ایله نام برده است (ابن خردادبه، ۱۹۶۷، ۱۲۳). به نظر ابن خردادبه، ایله یکی از نواحی مصر است (همان، ۶۳). به نوشته یعقوبی، ایله شهری است با شکوه بر ساحل دریای شور و حاجیان شام و مصر و مغرب آنجا گرد آیند و داد و ستدهای بسیار دارند و مردم آن آمیزه‌ای از نژاد های مختلف بودند. قومی در آنجا سکونت دارند که می‌گویند از شیعیان عثمان بن عفان هستند (یعقوبی، ۱۳۴۳، ۱۱۹). اصطخری می‌نویسد: ایله شهرکی کوچک و آبادان با کشاورزی اندک است و یهودان در آنجا باشند (اصطخری، ۱۹۶۷، ۳۵). به نوشته صاحب حدود العالم، ایله شهرکی است بر کران دریای قلزم و بر مرز میان بیابان مصر و شام واقع است (دانشگاه تهران، ۱۷۲، ۱۳۴۰). مقدسی از این شهر به نام ویله یاد کرده و در وصف آن می‌نویسد: «شهری است در کنار شاخه‌ای از دریای چین، آباد و بزرگ و محصولش خرما و ماهی است. درگاه فلسطین و بارانداز حجاز است، مردم، آن را ایله نامند، ولی ایله نزدیک آن بوده و ویران شده است. این شهر همان است که خداوند بزرگ درباره‌اش فرمود: «از ایشان درباره آن دیه که در کنار دریا بود بپرس» (مقدسی، ۱۳۶۱، ج ۱، ۲۵۰). یاقوت در قرن هفتم هجری می‌نویسد: «ایله شهری است بر ساحل دریای قلزم به جانب شام. گفته‌اند که آن، پایان سرزمین حجاز و آغاز سرزمین شام است. ایله شهری کوچک و آباد است

و زراعت کمی دارد. این شهر به روزگار پیامبر (ص) در دست یهودیان بود.» (یاقوت، ۱۳۹۹، ج ۱، ۲۹۲) ابوالفداء می‌نویسد: «امروز ایله برجی است و حکمرانی مصری دارد و خالی از کشت و زرع است پیش از این، قلعه کوچکی در دریا داشت که اکنون متروک مانده و والی به برج ساحل دریا نقل مکان کرده است.» (ابوالفداء، ۱۳۴۹، ۱۱۹) حمد الله مستوفی می‌نویسد: ایله (در ساحل دریا) و بر یک فرسنگی مصر قرار دارد (مستوفی، ۱۳۶۲، ۲۵۳). حافظ ابرو طول جغرافیایی ایله ۵۶ درجه و ۴۰ دقیقه شرقی و عرض آن ۲۸ درجه و ۵۰ دقیقه شمالی دانسته است (حافظ ابرو، ۱۰۷، ۱۳۷۵). با توجه به نوشته های جغرافیدانان می‌توان گفت ایله از شرق و شمال به شام و نواحی فرات، از غرب به دریای سرخ و از جنوب به حجاز و جزیره العرب منتهی می‌شده است.

ایلله هم جاده بازرگانی و همچنین مسیر حُجاج مصر و شام به طرف مکه بوده است (ابن حوقل، ۱۹۷۹، ۴۰). هر کس می‌خواست از شام و فلسطین به مکه برود، باید از راه های سخت کوهستانی می‌گذشت تا به ایلله می‌رسید و بعد از گذر از منازل حقل، مدین، الاغراء، منزل، الکلابه، شغب، بدا، السرحین، البیضاء، وادی القرى، الرحیبه، ذی المروه، المر، السویداء، ذی خشب و المدینه به مکه می‌رسید (یعقوبی، ۱۰۹، ۱۳۴۳). راه مصر تا مکه نیز با عبور از فسطاط به طرف الجب، البویب، منزل ابن بندقه، عجرود، الذنبه، الکرسی و الحفر به ایلله منتهی می‌شد و با گذشتن از مسیرهای که در بالا ذکر شده به مکه می‌رسیدند (ابن خردادبه، ۱۹۶۷، ۱۴۹). جاده دیگری نیز به حضرموت و سواحل جنوبی یمن و سپس از مغرب عربستان در مناطقی که معینیان و سبئیان و دولتهای دیگر

جنوب و غرب عربستان حکومت می‌کردند، ختم می‌شد و سپس از طریق مکه و احتمالاً یثرب (مدینه) به بندر ایله (بندر عقبه) و از آنجا به شبه‌جزیره سینا و مصر یا به شهر غزه در کرانه مدیترانه و از آنجا به دیگر شهرهای سوریه و فلسطین و فینیقیه ... و آسیای صغیر و دریای اژه (بحر الجزایر) و یونان می‌رسید (قره چانلو، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۴۴). سفر کاروانهای بازرگانی از معین (یعنی قرناو و پایتخت آن) تا بندر ایله در ساحل بحر احمر هفتاد روز طول می‌کشیده است (حتی، ۱۳۶۶، ۷۴).

پیشینه تاریخی بندر عقبه (ایلّه قدیم)

الف) پیش از دوره اسلامی

بندر عقبه به علت موقعیت استراتژیکی خاص در کنار دریا و هم اینکه بین راه ارتباطی آسیا و آفریقا و اروپا قرار داشت، از این رو در دوره های گوناگون تاریخی از مراکز مهم تلاقی راه های تجاری مصر، شام، عراق و عربستان بوده و از زمانهای پیش از میلاد، اقوام گوناگونی در آنجا سکونت داشتند. مفسران در مورد ساکنان سرزمین ایلّه بحث کرده و برخی اصحاب «سبت» و برخی دیگر نیز اصحاب «ایکه» را ساکنان ایلّه می‌دانند و عده‌ای نیز ساکنان ایلّه را بخشی از قوم ثمود پنداشته‌اند که بر اثر همجواری با بنی‌اسرائیل به دین یهود گرویده‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ۳۰۱-۳۰۲). اما بیشتر مفسران نخستین و متأخر، اصحاب سبت را جزو ساکنان ایلّه برشمرده‌اند. این قوم در عصر پیامبری حضرت داود (علیه السلام) بوده و بر اساس آیه (۶۵) سوره بقره خداوند به قوم موسوم به

اصحاب سبت فرمان داده بود که روز شنبه را تعطیل کرده، به عبادت بپردازند؛ اما آنها از فرمان الهی تعدی کردند و از این رو خداوند چهره انسانی آنان را به صورت حیوان (بوزینه) دگرگون ساخت (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ۷۵۶، ۴). آیات (۱۶۳-۱۶۶) سوره اعراف نیز به همین مضمون آمده است. در تفسیر این آیه روایاتی از پیامبر (ص) و ائمه اهل بیت (ع) نقل شده است. بنا به روایتی از امام باقر (علیه السلام) نیز مسخ شدگان بنی اسرائیل، اهل ایله - سرزمینی در ساحل دریا - بودند. (عیاشی، بی تا، ج ۲، ۱۶۶) در آیه (۷۸) سوره مائده نیز همین جریان آمده است که از امام باقر (علیه السلام) روایت شده: حضرت داود (علیه السلام) اهالی شهر ایله را نفرین کرد...: «لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ...» (الکافی، بی تا، ج ۸، ۲۰۰) در تفسیر قمی از پدرش از حسن بن محبوب از ابن ابی عمیر از ابی عبیده از ابی جعفر (ع) روایت کرده که گفت: در کتاب علی بن ابی طالب (ع) چنین یافتیم که: قومی از اهل " ایله " از دودمان " ثمود " در روزهای شنبه ماهی‌هایی به امر خدای تعالی به سمتشان می‌آمدند تا بدین وسیله اطاعتشان آزمایش شود (تفسیر قمی ج ۱ ص ۲۴۴) بیهقی در سنن خود از عکرمه از ابن عباس روایت کرده‌اند، الا اینکه در روایات ایشان دارد که نامبردگان در آیه قبیله‌ای از یهود از اهل ایله بودند. و ظاهرش این است که از بنی اسرائیل بوده‌اند از طرق اهل سنت نیز این روایت از مجاهد و قتاده و دیگران نقل شده است. طبرسی، در تفسیر آیه (۷۷) سوره کهف نیز که به داستان حضرت خضر و موسی (علیهما السلام) می‌پردازد، به قریه ایله اشاره‌ای شده است؛ هنگامی که آنها به قریه‌ای رسیدند و از اهل آن غذا خواستند آنها از مهمان

کردنشان خودداری کردند ...: «فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا آتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ...». برخی مراد از قریه را همان شهر ایله دانسته‌اند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ۷۵۱).

این شهر در سده اول پیش از میلاد ایله از ۲۷۴ تا ۳۱ ق م تحت فرمان حاکمان یونانی درآمده بود و کانون ارتباط تجاری نبطیان به شمار می رفت. در سال ۱۰۶ م و پس از پایان حاکمیت نبطیان، رومیان بر آنجا مستولی شدند (مسعودی، ۱۳۶۰، ۲۳۶). رومیان، قبیله قضاعه را که به سرزمین های میان شام و حجاز تا عراق در ایله و جبال کرک تا مشارف شام فرمانروایی می کردند؛ به حکومت گماشته بودند (ابن خلدون، ۱۳۶۳، ج ۳، ۵۱۲). بنی غطفان، بنی اقصی، بنی قرام بن جذام، بنی ضیب، بنی محریه و بنی نفاثه دیارشان در حوالی ایله بوده است (همان، ج ۳، ۳۰۰).

ب) دوره اسلامی

حضور مسلمانان برای اولین بار در ایله در سال نهم هجری بود؛ زمانی که پیامبر (ص) برای غزوه تبوک آماده می شد. امیران ایله، جرباء، اذرح نزد وی آمدند و امان نامه ای نوشته شد که ابن اسحاق و مقریزی متن اماننامه یحنه و مردم ایله را نقل کرده‌اند (ابن هشام، ۱۹۷۵، ج ۴، ۱۶۹، مقریزی، امتاع الاسماع، ۱۴۲۰، ج ۱، ۴۶۸). آنها قبول کردند که در هر سال یک دینار برای هر فرد بالغ از مردم ایله جزیه دهند. امیر ایله در آن روزگار یوحناء پسر رؤبه بن نفاثه یکی از بطون جذام بود که وی شتری سفید رنگ به پیامبر (ص) اهدا کرد (بلاذری، ۱۳۶۷، ۸۸-۸۹). همین طور نقل شده است که پیامبر (ص) جامه خودش را به نشان امان به مردمان ایله دادند و سعید بن خالد بن ابی اوفی هنگامی که از

جانب مروان بن محمد کارگزار حکومت در میان این خاندان بود آن را از ایشان گرفت و نزد خلیفه فرستاد. این جامه در خزانه خلیفه بود تا زمانی که پس از قتل وی، از آنجا برداشته شد. گفته‌اند: ابو العباس سفاح آن را به سیصد دینار خرید (ماوردی، ۱۳۸۳، ۳۴۴). در دوره ابوبکر، زمانی که وی از کار اهل رده آسوده شد؛ در صدد فرستادن سپاه‌یانی برای فتح شام شد؛ وی به عمرو عاص دستور داد که از راه ایله رهسپار فلسطین شود (بلاذری، ۱۱۲، ۱۳۶۷).

وقتی که عمر به خلافت رسید، فتوحات مسلمانان آغاز گردید و توانستند شام، عراق، الجزیره، ایران و کشورهای دیگر را فتح کنند. وی بین سالهای ۱۷- ۱۵ هجری در پی فتح بیت المقدس و با نامه عمرو عاص به سوی شام رفت. عمرو همراه عباس بن عبد المطلب و عبد الرحمن بن عوف و گروهی از اصحاب با او راهی شدند و برای رفتن به شام از ایله گذشتند. (طبری، ۱۳۸۴، ج ۳، ۳۸۷)

در دوره عثمان شورشیان مصری پس از پیمانی که عثمان نوشت به طرف مصر براه افتادند تا به ایله یا منزلی پیش از آن رسیدند که به قاصدی از طرف عثمان برخوردند که به مصر می‌رفت با نامه‌ای از خلیفه به والی مصر، عبدالله بن سعد بن ابی سرح به مفاد آنکه « وقتی عمرو بن بدیل آنجا رسید گردنش را بزن، و دست های ابن عدیس و کنانه و عروه را قطع کن و بگذار در خون خویش پرپر بزنند تا بمیرند. و بعد آنها را به شاخه درخت خرما بیاویز» (ابن قتیبه، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ۶۵) مصریان وقتی عهد شکنی عثمان را دیدند رو به مدینه

برگشتند و همراه آنان مردم بصره و کوفه وارد شهر شدند و استعفای خلیفه را خواستار شدند. پس از اینکه عبدالله بن سعد بن ابی سرح، حاکم عثمان بر مصر، از پی مصریان به سوی مدینه حرکت کرد، همین که به ایله رسید خبر دار شد که مصریان عثمان را محاصره کرده اند (طبری، ۱۳۸۴، ج ۴، ۳۶۵)

علی (ع) در روز دوم از بیعت خویش در مدینه برای مردم خطبه خواند، دستور داد که همه اموالی که عثمان به دیگران واگذار کرده بود، بازگردانده شود. چون این خبر به عمرو بن عاص رسید او در آن هنگام در ایله یکی از توابع شام بود، وی هنگام شورش مردم بر علیه عثمان به آنجا رفت و اقامت گزید، نامه‌ای به معاویه نوشت: «هرکاری می‌خواهی بکن زیرا پسر ابوطالب تمام دارائی تو را از تو خواهد گرفت همان گونه که پوسته عصا از آن جدا می‌شود.» (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰، ج ۱، ۲۶۹) امام علی (ع) پس از فرمان درباره بیت المال، والیانی را منصوب کرد از جمله قیس بن سعد از طرف علی (ع) والی مصر شده بود چون به ایله رسید سوارانی او را احاطه کردند از او پرسیدند تو کیستی؟ گفت: «من یکی از اتباع پراکنده عثمان هستم می‌خواهم به یاران او ملحق شوم.» پس از پرس و جو به او اجازه دادند، تا راهی مصر شود (ابن اثیر، ۱۳۲۰، ج ۳۱، ۳۱۴).

در دوره معاویه، وی غلامی از آل عمر را به دسیسه برای کشتن مالک اشتر گماشت. مالک اشتر عازم مصر بود که از ایله گذشت. نافع، غلام عثمان همراهش شد آن غلام، پیوسته نزد مالک، از فضایل علی علیه السلام و بنی هاشم سخن می‌گفت، تا آن که اعتماد مالک را جلب کرد چون در قلزم فرود آمد، شربتی از

عسل که زهرآلود آماده کرده بود به مالک خوراند که در اثر همان سم مالک از دنیا رفت (ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۱، ۲۵۹).

پس از جنگ مرج راهط مروان بن حکم سپاهی بسوی مصر فرستاد تا عبد الرحمن بن جحدم فرماندار عبد الله بن زبیر را از آنجا بیرون کنند و نیز فرزند خود عبد العزیز را با سپاهی بسوی ایله فرستاد (کندی، ۱۴۲۴، ۴۲). عبد العزیز بن مروان با زهیر بن قیس بلوی که ابن زبیر وی را با سپاهی برای مقابله با عبد العزیز فرستاده بوده، در ایله باهم روبرو شدند که به شکست زهیر بن قیس ختم شد (دار الطلیعه، ۱۳۹۱، ج ۱، ۴۱۳).

وقتی عبدالله بن زبیر کارش بالا گرفت، محمد بن حنفیه را تهدید کرد اگر با وی بیعت نکند خانه اش را آتش خواهد زد. چون این خبر به عبد الملک بن مروان رسید نامه‌ای به محمد بن حنفیه نوشت اگر نزد او برود نسبت به او نیکی خواهد کرد و در هر نقطه شام که دوست دارد ساکن شود. محمد بن حنفیه و همراهانش به سوی شام حرکت کردند چون به مدین رسیدند، خبردار شدند که عبد الملک بن مروان پیمان شکنی و مکر کرده است و از آمدن خود به شام پشیمان و در ایله ساکن شد، آنجا بود تا از دنیا رفت (دینوری، ۱۹۶۰، ۳۱۰). مرگ ابن شهاب زهری امام اهل مدینه نیز در نواحی ایله بود. روایت شده است عمر بن عبد العزیز خراجی بیشتر از سیصد دینار بر اهل ایله قرار داده است (بلاذری، ۱۳۶۷، ۸۹). در اواخر دولت بنی امیه یکی از فرزندان هشام بن عبد الملک در ایله فرمانروایی داشت وی به سوی جزیره جبل طارق رفت و به تدریج اکثر بلاد اندلس را فتح کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۵، ۳۶۶).

در دوره عباسی هارون الرشید بعد از عزل عبدالله بن محمد، حسین بن جمیل را والی مصر کرد و خواندن نماز و جمع آوری خراج را به عهده وی گذاشت. در زمان ولایت وی مردم اهل خوف از دادن خراج خودداری کردند و به فرماندهی ابوالندی، مولی بلی شورش کرده و ایله را گرفتند و تعدادی از مردم جذام نیز به او پیوستند و دست به غارت و کشتار زدند تا اینکه هارون الرشید یحیی بن معاذ را با لشکری از بغداد و همچنین حسین بن جمیل، عبدالعزیز الجزری را برای مقابله با آنان فرستاد. عبدالعزیز و ابی الندی در ایله با هم جنگ کردند و ابی الندی شکست خورد و کشته شد (ابن تغری بردی، بی تا، ج ۱، ۱۸۷).

در دوره طولونیان احمد بن طولون راه جدیدی در ایله در کوه ام نصیله به جای راه قدیمی عبور قافله‌ها ایجاد کرد، که از یک سو به کوه و از سوی دیگر به دریا محدود بود و به اسم عقبه ایله شناخته می‌شد (مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، ج ۲، ۱۴۳). طولونیان از جاده های مهم تجاری با دقت و مراقبت بسیار نگهداری می کردند، حکومت مصر سالانه ۱۰ هزار سکه طلا برای حفظ و حراست جاده‌های که در امتداد نیل وجود داشت خرج می کرد مثلا در قرن نهم امیر مصر خماریه بن احمد بن طولون عقبه یعنی گردنه کوه میان ایله و بیابان تپه را معمور کرد. فائق مولی خماریه هم عقبه ایله را اصلاح کرد و در ایله بازارها و مساجدی را ساخت (حمیری، ۱۹۸۰، ج ۱، ۷۰).

در دوره خلافت الظاهر لاعزاز دین الله الفاطمی (۴۱۱-۴۲۷ه.ق) عبدالله بن ادریس جعفری به همراه یکی از بنی جراح به ایله حمله کردن و آنجا را غارت و سه هزار دینار غنیمت گرفتند و زنان و کودکان را اسیر کردند. الظاهر به علت این کار عبدالله را از ولایت وادی القری عزل کرد (مقریزی، المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و الآثار، ۱۴۱۸، ج ۲، ۴۳۲). در سال ۴۶۵ه.ق زلزله‌ای در ایله رخ داد که اکثر اهالی آن هلاک شدند (مقریزی، اتعاض الحنفاء باخبار الائمة الفاطمیین الخلفاء، بی تا، ج ۲، ۱۴۳).

در طول جنگ های صلیبی صلاح الدین ایوبی در سال ۵۶۶ه.ق از مصر به سوی شهرهای فرنگیان رهسپار گردید. او به توابع شهرهای عسقلان و رمله تاخت و به حومه غزه هجوم برد و آن جا را غارت کرد. فرمانروای فرنگیان آن حدود با گروه اندکی از سپاهیان خود شتابان فرا رسید تا صلاح الدین را از آن شهرها بر گرداند. صلاح الدین با او و لشکریانش جنگید و آنان را شکست داد. فرمانروای فرنگیان از مهلکه گریخت در حالیکه نزدیک بود به اسارت در آید. صلاح الدین، پس از این پیروزی، به مصر بازگشت و کشتی های مفصل ساخت. آنگاه قطعات مختلف کشتی ها را بر پشت شتران در خشکی حمل کرد و به قصد تصرف ایله که در دست صلیبیان بود، روانه شد. در نزدیک ایله قطعات کشتی ها را گرد آورد و به هم متصل ساخت و آنان را به دریا انداخت. بدین گونه، ایله را در دهه اول ربیع الآخر همین سال، هم از سوی خشکی و هم از سوی دریا، محاصره کرد آن را از صلیبیان باز پس گرفت و ضمیمه مصر کرد (سیوطی، ۱۴۱۸، ج ۲، ۱۶).

در سال ۵۷۸ ه. ق صلاح الدین از مصر رهسپار شام گردید. از بازرگانان و مردم شهرها و کسانی که به سبب خشکسالی در شام و غیره به مصر آمده بودند، گروهی بسیار همراه او روان شدند. او راه خود را به سوی بندر ایله گرفت. و چون شنید که فرنگیان گرد هم آمده‌اند تا با او بجنگند و از پیشروی او جلوگیری کنند، همین که نزدیک شهرهای ایشان رسید، افراد ناتوان و بار و بنه را همراه برادر خود، تاج الملوک بوری، به دمشق فرستاد. و خود تنها با سپاهیان جنگاور خویش باقی ماند. آنگاه به اطراف شهرهای فرنگیان حمله برد و بیشتر این حملات هم به شهر کرک و شوبک بود. شوبک قلعه‌ای استوار میان عمان، ایله و قلزم و نزدیک شهر کرک است (یاقوتی، ۱۳۹۹ ق، ج ۱، ۲۹۳) که صلیبی‌ها آن را در سال ۵۰۹ هجری قمری در شرق عربیه، در کوه‌های «شراه» ساختند. این قلعه مشرف بر راه بیابانی دمشق و حجاز و مصر است. به همین جهت تصرف آن برای مسلمانان حائز اهمیت بود و صلاح الدین ایوبی در سال‌های ۱۱۷۱ و ۱۱۷۲ و ۱۱۸۲ و ۱۱۸۴ میلادی چندین بار برای تسخیر این قلعه اقدام نمود ولی با شکست مواجه گردید و به تخریب شهرهای اطراف آن اکتفا نمود. تا آنکه در همین سال ۱۱۸۹ میلادی قلعه مزبور به تصرف صلاح الدین در آمد (مقریزی، السلوک و المعرفه، ۱۴۱۸، ۱۵۰).

در اواخر سال ۵۷۸ ق / ۱۱۸۲ م رینالد شاتیونی، امیر فرنگان، به سوی ایله واقع در رأس خلیج عقبه حرکت کرد و قایق‌های را که از چوب درختان جنگل‌های مآب ساخته بود بر روی بحر المیت آزمایش کرده، با خویشتن برد و این شهر را که از سال ۵۶۶ ق / ۱۱۷۰ م به بعد در دست مسلمانان بود، تصرف

کرد (ابن واصل، ۲۵۳، ۱۳۸۳). سپس بیبرس اول الملک الظاهر رکن الدین صالحی چهارمین سلطان مصر (حک ۶۷۶-۶۵۸ه) از سلسله ممالیک بحری (یا بحریه) ایله را در سال (۶۶۵ه/۱۲۶۷م) از صلیبیون گرفت و در دوره ممالیک بود که اسم عقبه غالب شد (کردعلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ۱۸۴). سلطان الملک الاشرفی ابوالنصر قانصوه از سلاطین ممالیک برجی قلعه جدیدی در عقبه ساخته است که هنوز نیز موجود است (ابن ایاس، ۱۴۰۴، ج ۵، ۳۹).

با شروع قرن شانزدهم این منطقه تحت نفوذ عثمانی قرار گرفت و در دوره حکومتشان عقبه اهمیت خود را از دست داد و به صورت دهکده ای کوچک که در آن ماهی صید می شد، تبدیل گشت (مصاحب، ۱۳۸۰، ج ۱۰، ۱۷۱). افتتاح کانال سوئز در سال ۱۹۰۸م یگانه اهمیتی را که به عنوان منزلی بر سر راه زائرین خانه خدا برای عقبه مانده بود، از بین برد (همان، ج ۲، ۱۷۴۴). در سال ۱۹۱۷م در طول جنگ های صلیبی نیروهای عربی به رهبری شریف حسین بن علی نیروهای عثمانی را مجبور به ترک عقبه و آنجا تحت پادشاهی حجاز در آمد. ایله از ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۳ق/۱۹۱۷ تا ۱۹۲۵م جزئی از سرزمین حجاز به شمار می آمد، اما از آن پس به اردن منضم شد (بلیکوف، ۱۳۶۷، ۱۰۵). ولی تا سال ۱۹۴۲م تغییری در وضع آن حاصل نشد. تا این که بریتانیای کبیر آن را تجدید ساخت و به عنوان بندری برای حمل مهمات آماده کرد. امروزه عقبه در جنوب غربی کشور اردن که تنها بندر این کشور است جمعیت شهر آن حدود ۹۵۴۰۸ هزار نفر می باشد. و صادرات آن فسفر و صدف های دریایی است. به عنوان

منطقه گردشگری عرب انتخاب شد. اقتصاد عقبه افزایش رو به رشدی داشت و در سال ۲۰۰۱م بیش از بیست میلیارد دلار در عقبه سرمایه گذاری شده است.

موقعیت فرهنگی

در ایله نیز افراد سرشناسی حضور داشتند از ابن سعد در کتاب خود نام آنها را ذکر کرده است:

۱- طلحه بن عبد الملک ایلی، محدثی مورد اعتماد بود که بوده است، مالک بن انس و دیگران از وی روایت کرده‌اند.

۲- عقیل بن خالد، شاگرد و مصاحب زهری و محدثی ثقه بوده است.

۳- ابوصخر ایلی، نامش یزید و پدرش ابوسمیه بوده است. حدیث ابوصخر پسندیده است. گوید ابوصخر ایلی همه ساله همراه محمد بن منکدر و صفوان بن سلیم و یزید بن خصیفه و سلیمان بن سحیم و ابو حازم به مکه می‌آمدند و به دیدار عمر بن ذر می‌رفتند او برای ایشان داستان‌های عبرت آموز می‌گفت و کار آخرت را به آنان تذکر می‌داد و در همه روزها و شبهای موسم کارشان بدین گونه بود تا موسم سپری می‌شد، آن گروه پس از آن تا موسم بعد با یک دیگر دیدار نداشتند.

۴- رزیک بن حکم، محدثی ثقه بوده است. ۵- حسین بن رستم.

۶- یونس بن یزید ایلی، مردی شیرین سخن و دارای حدیثهای دلپذیر بسیار بوده است و گفته‌اش حجت نیست و گاه حدیثهای ناشناخته می‌آورده است. ۷- عبدالجبار بن عمر ایلی، کنیه‌اش ابو صباح و محدثی ثقه بوده است. او از یزید بن ابی سمیه از ابن عمر از رسول خدا (ص) حدیثی روایت می‌کند که درباره کشیده شدن دامن پیراهن بر زمین همان چیزی را فرموده است که درباره ازار فرموده است. ۸- عبد الله بن مبارک و ابو عبد الرحمن مقری و جز آن دو در افریقیه این محدث بوده است. ۹- خالد بن ابی عمران، او از مردم تونس افریقیه است. (ابن سعد، ج ۳، ص ۵۳۰-۵۳۱)

شهر ایله در ساحل خلیج عقبه اردن، بزرگترین محوطه باستانی اسلامی ساحلی جهان را در خود جای داده. در این شهر فرهنگ و تمدن بیزانسی با فرهنگ اسلامی در هم ادغام شده و توانسته فرهنگ نوینی را برای مردمان ساکن این دیار بوجود آورد. مهمترین آثار باستانی منطقه که هنوز به طور کامل کشف نشده در شهر اسفار واقع شده است، به خصوص در شمال غربی سور که دروازه‌ای با دیوارهای مرتفع ۸۰ متری دارد و شامل دو دیوار موازی سنگی با دو برج نیم دایره است که آن را دروازه ورودی شهر می‌دانستند. هنوز دانشمندان درباره تاریخ و قدمت آن در حال مطالعه هستند. اسوار شهری است که در گذشته چهار دروازه مختلف داشته که هر کدام با دیواری به طول ۱۴۵ تا ۱۷۰ کیلومتر به هم متصل می‌شده‌اند. دروازه اول در شمال شرقی رو به شام، دروازه دوم در جنوب شرقی رو به حجاز، دروازه سوم در شمال غربی رو به مصر و دروازه چهارم که دروازه دریا نام دارد و به سوی دریای سرخ باز می‌شده است.

مسجد عباسی و مرکز اجتماعات دینی و آموزشی دو مرکز مهم این شهر به شمار می‌روند که هنوز نیز فعال هستند. مهمترین آثار باستانی این مجموعه آثار باستانی به جا مانده از دوره امویان است که هنوز بسیاری از آنها موجود هستند.

نتیجه‌گیری

ایله بندری باستانی در کنار دریای سرخ و نزدیک خلیج عقبه و طبق گفته مفسرین زیستگاه اصحاب سبت بوده است. براساس گفته منابع جغرافیای ایله نام قدیم بندر عقبه کنونی است که از بنادر باستانی فلسطین به شمار می‌آمده و در دوره اسلامی جزء نواحی شام بوده است. این بندر مرکز تلاقی راههای تجاری مصر، شام، عراق و عربستان بوده و در کنار مرکز تجاری، مرکز تجمع حجاج مصر و شام به حساب می‌آمد که برای وارد شدن به جزیره العرب باید از این بندر عبور می‌کردند. رویدادهای مربوط به این منطقه در منابع تاریخی نشان داد که این منطقه بیشتر منطقه سوق الجیشی داشته و گذرگاهی ارتباطی میان مصر و شام عربستان و مغرب بوده است و در رویدادهای سیاسی، از جمله در جنگ‌ها ایله نقش حساسی داشته است. اشارات آیات قرآن و احادیث مربوط به ایله نیز باعث توجه مفسرین به این منطقه شده و باعث شده تا در تفاسیر خود به این منطقه توجه کنند، و بررسی تفاسیر نشان داد که اکثر پیامبران و رویدادهای زمانشان، با این منطقه مرتبط بوده‌اند.

منايع و ماخذ

ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبءالله، ١٣٩٠، شرح نهج البلاغه، ترجمه غلامرضا لايقى، بى جا، كتاب نيستان.

ابن اثير، ١٣٢٠ق، الكامل فى التاريخ، بيروت، لبنان، دارالمعرفه.

بن اعثم كوفى، ابو محمد أحمد، ١٤١١، كتاب الفتوح، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالأضواء، ط الأولى.

ابن خرداذبه، ١٩٦٧، المسالك و الممالك، ليدن، چاپ دخويه.

ابن حوقل، ١٩٧٩، صوره الارض، بيروت، لبنان، منشورات دار مكتبه الحياه.

ابن خلدون، ١٣٦٣، العبر و ديوان المبتدا و الخبر... (تاريخ ابن خلدون)، ترجمه عبدالمحمد آيتى، تهران، موسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگى. ابن قتيبه،

ابن قتيبه، عبدالله بن مسلم، ١٤١٠ق، الامامه و السياسه، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالاضواء. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ابن منظور، محمد بن مكرم، ١٣٦٣، لسان العرب، تصحيح امين محمد عبدالوهاب، بيروت، دار احياء التراث العربى.

ابن هشام، ١٩٧٥، السيره النبويه، بيروت - لبنان، دار الجيل.

ابن واصل، محمد بن سالم، ۱۳۸۳، تاریخ ایوبیان، ترجمه پرویز اتابکی، مصحح حسین محمد ربیع، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

ابن ایاس، محمد بن احمد، ۱۴۰۴ق، بدائع الزهور فی وقائع الدهور، بیروت، دارالفکر.

ابوالفداء، ۱۳۴۹، تقویم البلدان، ترجمه عبدالمحد آیتی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران.

اصطخری، ابواسحق ابراهیم، ۱۹۶۷، مسالک و الممالک، لیدن، چاپ دخویه.

بلاذری، احمد بن یحیی، ۱۳۶۷، فتوح البلدان، تهران، نشر نقره.

بلیکوف، خف، ۱۳۶۷، تاریخ معاصر کشورهای عربی، ترجمه محمد حسین روحانی، تهران، توس.

حافظ ابرو، عبدالله بن لطف الله، ۱۳۷۵، جغرافیای حافظ ابرو، مصحح: صادق سجادی، تهران: بنیان.

حتی، فیلیپ خلیل، ۱۳۶۶، تاریخ عرب، ترجمه ابوالقاسم پاینده، انتشارات آگاه.

حمیری، محمد بن عبد المنعم، ۱۹۸۰، الروض المعطار فی خبر الأقطار، تحقیق احسان عباس، بیروت، مؤسسه ناصر للثقافه.

دینوری، ابوحنیفه، ۱۹۶۰، اخبار الطوال، تحقیق عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الشریف ارضی، قاهره، دارا احیاء الکتب العربی.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، ۱۴۱۸ق، حسن المحاضرہ فی اخبار مصر
والقاهرہ، بیروت: دارالکتب العلمیہ.

عیاشی، محمد بن مسعود، بی تا، التفسیر (للعیاشی)، تحقیق ہاشم رسولی، تہران،
مکتبہ العلمیہ الاسلامیہ.

طباطبائی، محمد حسین، ۱۳۷۴، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح ہاشم رسولی،
تہران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲.

طبری، محمد بن جریر، ۱۳۸۴، تاریخ الامم و الملوک، بیروت-لبنان، دار
سویدان.

کلینی، محمد بن یعقوب، بی تا، الکافی، تصحیح علی اکبر غفتری، تہران،
دارالکتب الاسلامیہ.

کندی، أبو عمر محمد بن یوسف، ۱۴۲۴ق، کتاب الولاء و کتاب القضاء، تحقیق
محمد حسن إسماعیل، بیروت، دارالکتب العلمیہ.

ماوردی، أبو الحسن علی بن محمد، ۱۳۸۳، آیین حکمرانی، ترجمہ: حسین
صابری مصحح حسین صابری، انتشارات علمی و فرهنگی، تہران.

مستوفی، حمدالله، ۱۳۶۲، نزہہ القلوب، بہ اہتمام و تصحیح تی لسترنج، تہران،
دنیای کتاب.

مسعودی، ابوالحسن علی بن حسین، ۱۳۶۰، مروج الذهب و معادن الجواهر،
ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

مصاحب، غلامحسین، ۱۳۸۰، دایره المعارف فارسی، تهران، امیر کبیر.

مقدسی، ابوعبدالله محمد بن احمد، ۱۳۶۱، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم،
ترجمه علینقی منزوی، تهران، شرکت مولفان و مترجمان ایران.

مقریزی، تقی الدین أحمد بن علی، ۱۴۱۸ ق، المواعظ و الاعتبار بذكر الخط و
الآثار، بیروت، دار الکتب العلمیه.

----- ، ۱۴۲۰، إمتاع الأسماع بما للنبي من
الأحوال و الأموال و الحفده و المتاع، تحقیق محمد عبد الحمید النمیسی، بیروت،
دار الکتب العلمیه، ط الأولى.

----- ، بی تا ، اتعاض الحنفاء بأخبار الأئمة الفاطمیین
الخلفاء، بیروت، لجنه إحياء التراث الإسلامی. مطالعات فریبگی

----- ، ۱۴۱۸ ق، السلوک لمعرفة دول الملوک، تحقیق
محمد عبد القادر عطا، بیروت، دار الکتب العلمیه.

مؤلف مجهول، ۱۳۴۰، حدود العالم من المشرق الى المغرب، به کوشش منوچهر
ستوده، تهران، دانشگاه تهران.

مؤلف مجهول، ۱۳۹۱، اخبار الدوله العباسیه و فيه اخبار العباس و ولده، تحقیق عبدالعزیز الدوری و عبدالجبار المطلبی بیروت، دار الطلیعه.

قره چانلو، حسین، ۱۳۸۰، جغرافیای تاریخی کشور های اسلامی (۱)، تهران، سمت.

قلقشندی، احمد بن علی، ۱۳۶۶، صبح الاعشی فی صناعه الانشاء، تصحیح محمد حسین شمس الدین، مصر دارالعلمیه.

کرد علی، محمد بن عبد الرزاق بن محمد، ۱۴۰۳، خطط الشام، دمشق، مکتبه النوری.

یاقوت حموی، شهاب الدین ابی عبدالله، ۱۳۹۹ق، معجم البلدان، بیروت-لبنان، دار احیاء التراث العربی.

یعقوبی، احمد ابن واضع، البلدان، ۱۳۴۳، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی